

**توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب و جمهوری
اسلامی ایران ادامه دارد ...**

توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ما ادامه دارد و آمریکا با تمام توان می‌کوشد که آب رفته را بجوی بازگرداند. در هفته گذشته، به مناسبت‌های پارمائی از استولین و سخنگویان خط امام نسبت به توطئه‌گری‌های امپریالیسم آمریکا که دشمن اصلی ماست و همه گرفتاری‌های ما از اوست توجه جدی‌تری کردند. در جلسه علنی دوم آخر ماه مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته گفته شد:

"ریگان حالت فوق‌العاده علیه ایران را تمدید کرد و ملت ایران باید آگاه باشد و بداند که توطئه‌های آمریکا علیه ما ادامه دارد و ما باید با دقت نقاط ضعف خودمان را جبران کنیم"

نخست‌وزیر هم در پاسخ "فراخوان میتران" رئیس جمهور فرانسه که اعلام کرد "تمام قدرتهای غربی (دولتهای امپریالیستی) تلاش می‌کنند تا تسسوازی بین ایران و عراق در مورد مسئله جنگ حفظ شود" گفت: "ما فکر می‌کنیم سرنوشت منطقه باید به دست ملت‌های منطقه تعیین شود و این اظهارنظر میتران یک نوع دخالت آشکار در سرنوشت ملت‌ها و اوضاع داخلی این کشورهاست"

این توازن نیرویی که امپریالیسم بسرکردگی آمریکا ، به اعتراف متران ، سعی در حفظ آن دارد ، به ضای کوشش در امرای سیاسی در جهت طولانی کردن جنگ و درگیرساختن جمهوری اسلامی ایران در یک جنگ فرسایشی است . بگونه‌ای که نیروهای انقلاب طی آن تحلیل رفته و بطور موثرتر ضعیف گردند این توطئه همچنان در رأس توطئه‌های آمریکا و آندانش قرار دارد حضور فزاینده نظامی امپریالیسم بسرکردگی آمریکا در منطقه تسلیم بی‌سابقه رژیم‌های ارتجاعی منطقه و فترده‌تر ساختن آنها در پیمان‌ها و بلوک‌های نظامی تجاوزگر ، تبدیل منطقه به انبار تسلیحات مدرن ، همه نشان می‌دهد که آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهانش برای مهار جنبش‌های استقلال‌طلبانه‌مصلحت‌های منطقه برای سرکوب جنبش‌ها و انقلاب‌های رهایی‌بخشی و به‌ویژه برای تداوم تحاوز نظامی به انقلاب ایران می‌وقفه در تکیه است .

ناخدا افضلی فرمانده نیروی دریایی در یک گفتگوی مطبوعاتی - شب ۶ آذرماه در این باره اظهار داشت :

خاورمیانه گنج بزرگی است و بر روی این گنج بزرگی یک اژدهای خونخواری خوابیده است این اژدها ، آمریکا و هم‌پیمانانش هستند

و با اشاره به سابقه تسلیماتی در منطقه که " بی حد و حصر برای چپاول ثروت مردم محروم و مستضعف " جریان دارد درباره فعل و انفعالات نظامی آمریکا و متحدان آن در منطقه گفت :

در تنگه هرمز به خاطر اینکه روی تیلیفانتشان یک مقدار صحنه بگذارند ، آمدند و گانالی را در قسمت جنوب تنگه هرمز بطول بیشتر از یک کیلومتر دارند حفر می‌کنند که به فکر خودشان اگر خطری از سوی ایران آنها را تهدید کند ، از آن باریکه (گانال) نفوذ نمود نیاز خود را ببرند . مقداری از پایگاه‌های بزرگی در کشور عمان تأسیس شدیم مقداری هم در دست تأسیس است . از جمله یک فرودگاه بسیار بزرگی آماده بهره‌برداری است که هواپیماهای سنگین ترابری نیروهای واکنش سریع آمریکا می‌توانند از آن استفاده کنند . باند چند هزار پایی فرودگاه مسیره حداقل چهار هزار پای دیگر به کوشش اضافه شدیم طوری طراحی شده که هواپیماهای بزرگی حمل و نقل آمریکایی که در حقیقت سنگین‌ترین هواپیماهای حمل و نقل امروز جهان است ، از این فرودگاه بتوانند استفاده کنند

غیر از این فرودگاه ، دو فرودگاه دیگر هم در عمان در دست ساختمان است که آمریکا از آن استفاده خواهند کرد و این هم‌رازی چند فرودگاه دیگر است که با پول مرستان سعودی برای آمریکا تر جزیره‌العرب ساخته شده است .

غیر از اینها باند فرودگاه جزیره " دیه‌گوارسیا " به بیش از ۱۲ هزار پا گسترش پیدا کرده و به نقطه کلیدی اثباتن تجهیزات تدارکاتی ، قسمت اعظمی از نیروهای واکنش سریع بدل شده است خلیج دیه‌گوارسیا نیز لایروبی شده و از عمق حدود ۷ متر به عمقی رسیده که بزرگترین ناو هواپیمابر آمریکا یعنی " نومکس " به اتقاق کشتی‌های اسکورتش می‌توانند از آن عبور کنند . آمریکا فرودگاه ساخته‌شده توسط اسرائیلی‌ها در سینار و فرودگاه‌های فلسطین اشغالی و بندر " بربرا " در سوئالی که تسهیلات کمی از نظر کشتی‌رانی داشت و اسکله کوچکی بود ، دارد گسترش می‌دهد بطوریکه ناوگانهایش بتوانند مصلوب بگیرند . بندر " ماماسا " در کنیا را به همین نحو لایروبی عظیمی با هزینه چند صد میلیون دلار انجام دادیم در حقیقت دارد جای پای محکمی برای حضور دائمی خود در اقیانوس هند فراهم می‌کند که نه تنها تشنج را افزون می‌کند ، بلکه به ضرر همه ملت‌های منطقه است . البته آمریکا نمی‌گوید که قصد حمله به انقلاب اسلامی را ندارد می‌گوید می‌خواهد جلوی نفوذ نیروی را بگیرد ولی یکی دیگر از اهدافش سرکوبی انقلاب اسلامی برخاسته از قلوب توده‌های میلیونی مردم مسلمان ما است " . بر این سخنان رژیم فرمانده نیروی دریایی پیمان‌های نظامی و مانورهای مشترک رژیم‌های ارتجاعی عرب با آمریکا و متحدانش را باید اضافه کنیم . ناخدا افضلی نیز در همین مصاحبه تاکید کرده است :

پیمان‌های جدیدی در دست امضا است متشکل از مرستان سعودی و سوئالی و مصر و یک کشور دیگر ، یعنی اعراب آفریقایی که شاه با تمامی وابستگی‌اش داشت در تکمیل توضیح پیرامون " کمربند امنیتی " که آمریکا به دور

انقلاب ایران کشیده است باید تسلیم همجانبه رژیم‌های آمریکایی ترکیه و پاکستان را هم اضافه کرد . دیدار امیر شاه حسین اردنی از ترکیه که به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی طوسی آن " همکاری‌های نظامی ترکیه با کشورهای عربی نظیر اردن ، مصر و عربستان سعودی که از سیاست‌های آمریکا در منطقه ... پشتیبانی می‌کنند مورد گفتگو قرار خواهد گرفت " و نیز گسترش همکاری‌های رژیم ضیاءالحق با " شورای همکاری خلیج " که دیکتاتور نظامی و دست‌نشانده آمریکا اعلام کرده است " پاکستان از سیاست‌های کشورهای منطقه خلیج فارس (شورای همکاری ...) پیروی می‌کنند اخبار متعددی که برخی از آنها در روزنامه‌های کشور نیز انعکاس می‌یابد ، بیانگر گسترش حلقه نظامی - سیاسی آمریکا در این دو کشور است و به‌ویسی نشان می‌دهد که رژیم‌های نظامی حاکم بر ترکیه و پاکستان نیز هرکدام نقش مهمی را در نقشه کلی آمریکا برای براندازی انقلاب ایران برعهده دارند .

فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی در پاسخ این سؤال که " آیا آمریکا مستقیماً دخالت می‌کند ؟ " توضیح داد :

" با امضای معاهده " نالت - یک " یا " دانت " (تشنج‌زدایی) که اصل آن بر مبنای توازن استراتژیک نیروهای شرق و غرب است ، ... گذرستی که خودش را همیشه ، بالاتر می‌دانست و می‌گوید که من تلفیق نیروهای استراتژیک و غیره دارم ، رسماً قبول کرد که در بر جمع‌کنی نیروها با طرف مقابل یکی استندوست است که ریگان یک سابقه تسلیحاتی عظیم را با بر نامه ۱۵۰۰ میلیارد دلاری در ظرف ۵ سال (از بدو روی کار آمدنش) شروع کرده ، ولی محتوای " دانت " هنوز در جهان هوش نشده است اگر این بالاترین استراتژیک را بگذاریم روی میسز ، به نظر من دخالت مستقیم آمریکا نمی‌تواند صورت بگیرد . اما از دیوانگانی که در کاخ سفید زندگی می‌کنند ، هیچ چیز بعید نیست

(اطلاعات ۶ آذر ماه)

توطئه آمریکا در جهت دیگر ، در جهت مسخ انقلاب ایران نیز با شدت ادامه دارد به کفت آقای محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران " در جلساتی که به تازگی عده‌ای از سران پنهانگوش داشته‌اند تنها برای جلوگیری نابودی انقلاب اسلامی به آنچه دیگری به مذاکره نشسته‌اند و بدین نتیجه رسیده‌اند که ما به‌ویژه بر روی همین نیروهایی که در داخل انقلاب هستند سرمایه‌گذاری کنیم " (پیام انقلاب - ۱۰ مهرماه)

البته باید تذکر داد که امپریالیسم آمریکا همواره در کنای نقشه‌های تجاوز نظامی از خارج نظیر جنگ تحمیلی و تجاوز طیس در کنار نقشه‌های براندازی از داخل نظیر طرح کودتای نوزده ، کودتای قطب‌زاده - شریعت‌مداری و غیره ، همواره از تلاش برای مسخ انقلاب ، منحرف‌ساختن آن ، رواندن آن به سوی سرمایه‌داری وابسته ، فروگذار نمی‌کند . ممانعت از تدوین و تصویب و اجرای قوانین بنیادین انقلابی در جهت تحقق مصلی روح استقلال‌طلبانه آزادمنشانه و عدالت‌جویانه قانون اساسی ، از سوی هر نیرویی چه خواسته و نخواست ، و چه ناخواسته و بی‌فرمانه صورت گیرد ، در جهت پیشبرد نقشه مسخ انقلاب است که آمریکا امید بسیاری به تحقق آن پیسته است .

بی‌دلیل نیست که امسأم خمینسی بارها و از جمله در دیدار روز شنبه ۶ آذر با دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت با تاکید هشدار دادند :

" چه بسا اشخاصی با ظاهر بسیار صالح و در حضور شماها بیشتر از شماها قید و بند اسلام و فریاد " واسلما " می‌زنند ، خدای ناخواسته از منحرفین باشد ، آنها همانطوری که شیطان باهر صورتی درمی‌آید ، و با هر حیله‌ای انسان را منحرف می‌کند ، اینها هم شیاطین انسی هستند که به هر صورتی و به هر شکلی درمی‌آیند و ممکن است که در بین شما خدای ناخواسته یک نفوذی بکنند و اگر خدای ناخواسته بکنند نفوذی بشود ، بدانید که انحراف در پیش است گرچه به کوتاه مدت نشود ، در درازمدت انحراف خواهد شد "

بدینسان این حقیقت بارز که آمریکا دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و تا باقی است به توطئه‌چینی برای براندازی و با مسخ انقلاب رهایی‌بخش ایران ادامه خواهد داد ، همواره در رویدادهای ناشی از سیاست آمریکا ، چه در منطقه و چه در داخل ایران نظایان است . وظیفه نه فقط افشا راس توطئه‌های گوناگون شیطان بزرگ است ، بلکه کوشش دائمی برای انحصار همواره فترده‌تر نیروهای راستین انقلابی و پیشبرد انقلاب در مسیر دست‌هایی به اهداف آن است .

باز هم پیرامون شعار " نه فرقی ، نه شرقی "

بدنبال توضیحات حجت الاسلام رفسنجانی - رئیس مجلس شورای اسلامی و نیز حجت الاسلام خامنه‌ای - رئیس جمهور درباره شعار " نه شرقی و نه فرقی " که مفهوم آن این است که ما وابسته نیستیم و مستقل هستیم ، در هفته گذشته آقای موسوی نخست‌وزیر نیز در قم سخنرانی مفصلی در این زمینه ایراد کردند (متأسفانه این سخنرانی به صورت فوق‌العاده فشرده در جرائد انتشار یافت) و همچنین روزنامه اطلاعات مقالهای درج کرد ، یعنی کوشش در توضیح مفهوم این شعار ، در هفته گذشته نیز ادامه یافت زیرا " ضرورت روشنگری و کار بیشتر برای شناساندن بدلیلترا این شعار بیش از پیش

حقیقت این است که در آمار شمار "نه شرقی و نه غربی" از سوی نیروهای راستین اسلامی مسلمان به همین مفهوم پرهیز از هرگونه وابستگی به مفهوم حفظ استقلال پذیرفته شد و رواج یافت روزنامه جمهوری اسلامی در مردادماه ۱۳۵۹ نوشت:

"توجه داشته باشید که پرهیز ما از بلوکه شرق از جهان بینی (اسلامی) ما نشأت می‌گیرد، نه اینکه به خاطر این پرهیز بگوشیهای ناخودآگاه و ناخواسته در دامن شیطان بزرگ یعنی آمریکا در غلظیم... ما با آمریکا دشمنیم... ما صدها سال است که به وسیله غرب به زنجیر کشیده شدیم... ما نمی‌توانیم به هیچ‌روی با غرب به ویژه آمریکا وارد معامله سیاسی شویم... در صورتیکه در مقابل جهان شرق نیز ما استقلال خود را حفظ می‌کنیم و اگر آنها (کشورهای سوسیالیستی) تقاضای دوست داشته باشند ما برای حفظ منافع و موجودیت خود (در تقاضای آنها) درنگ نخواهیم کرد."

ولی لیبرالها از همان آغاز کوشیدند که سیاست "موازنه منفی" را در شمار "نه شرقی و نه غربی" بگنجانند. آنها در خط سیاست آمریکا که به دنبال فاش شدن دستورات محرمانه کارتر به "خط برزیلینسکی" معروف شد، کوشیدند که با شمار "نه شرقی و نه غربی" مناسبات بین جمهوری اسلامی ایران را با "شرق" در درجه اول با اتحاد شوروی تیره سازند. برای رسیدن به این مقصود هزار نفرند بکار بستند، دروغ "قطب‌زاد مبارز" گفتند، از اعتقادات مذهبی استفاده کردند که چون غرب و آمریکا "موجدند" شرق و شوروی "مخسند" پس دشمن اصلی شرق و شوروی است. گفتند اگر بزرگ امام آمریکا شیطان کبر است، مارکسیسم دشمن اکبر است اتحاد شوروی را با "روسیه" به مسند قاطبی کردند و دافسا شوروی را مطرح کردند تا آمریکا رامنی کنند و سپس کم‌کم به کمک تز گذاشتن "دو ابر قدرت" که گویا از یک قماشند، غرب را فدا به مفهوم آمریکا (و نه مجموعه کشورهای امپریالیستی) خلاصه کردند و در کنار شمار مرگ بر آمریکا شعار مرگ بر شوروی را هم افزودند و این شعار را به کمک تمام دشمنان آگاه انقلاب و نیز "دوستان جاهل" در سطح کشور رواج دادند. و نتیجه آن شده است که وقتی هیاتی برای شرکت در مراسم خاکسپاری رهبر کشتی بزرگ همسایه شمالی - بزرگترین قدرت ضد امپریالیستی جهان و متحد طبیعی - انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران - به مسکو اعزام می‌شود، نامها و تلفن‌ها (به گفته آقای رفسنجانی) می‌شود که چرا چنین هیاتی اعزام شده است. وقتی اتحاد شوروی در نمایشگاهی در ایران شرکت می‌کند، وضعی فراهم می‌شود که هیچ تناسبی با مناسبات حتی هادی با یک کشور خارجی ندارد. این وضع یکی غیرطبیعی و زیان‌بخش است و باید اصلاح شود و یکی از طسوق اصلاح آن، تفهیم مفهوم واقعی شعار "نه شرقی و نه غربی" است که شروع شده و باید ادامه یابد.

چگونگی تحقق عملی شعار "نه شرقی و نه غربی" را نه فقط در سطح تبلیغات، بلکه در سطح مناسبات در عرصه‌های مختلف با کشورهای "شرقی" (سوسیالیستی) و با کشورهای غربی (امپریالیستی) نیز می‌توان سمجید. گرچه همه نمی‌دانند ولی گفتنی است که حجم معاملات بازرگانی و اقتصادی ما با "غرب" (غیر از آمریکا) برآیند بیشتر از حجم آنها با "شرق" است. تعداد دانشجویان ایرانی که در "غرب" و از جمله در آمریکا تحصیل می‌کنند و پس از اتمام تحصیلات به ایران خواهند آمد، چندین ده هزار نفرند و نیز "شرق" از تعداد انگشتان، دو دست تجاوز نمی‌کنند. مسافرت به کشورهای "غربی" در چارچوب نظرات جریان دارد ولی از مسافرت به کشورهای "شرقی" عملاً جلوگیری می‌شود. مطبوعات "غربی" از جمله آمریکایی در ایران وارد می‌شود و در دهکده‌های روزنامه‌فروشی به فروش می‌رسند، ولی مطبوعات شرقی در هیچ دهکده‌ای یافت نمی‌شود. خبرنگاران مطبوعاتی و خبرگزاری‌های "غربی" و از جمله آمریکایی در ایران حضور دارند ولی از وجود خبرنگاران مطبوعاتی و خبرگزاری‌های "شرقی" در ایران اثری مشاهده نمی‌شود. این پدیده خالب و بکنی غیرطبیعی نیز گفتنی است که اکثریت نزدیک به تمام اخباری که در مطبوعات و از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، از منابع مطبوعاتی و خبرگزاری‌های "غربی" است. در حالیکه آنها پرمی امپریالیسم غربی "نامگذاری شده‌اند. در این زمینه آنقدر دانسته

پذیرش امپریالیسم غربی "وسیع است که حتی مثلا اخبار مربوط به شوروی که کشور همسایه دیوار به دیوار است نه به نقل از خبرگزاری "ناس"، بلکه به نقل از فرانسه پرس، یونایتد پرس، آسوشیتد پرس در رسانه‌های گروهی ایران پخش می‌شوند. و این درحالی است که همه می‌دانند تمامی سیستم تبلیغات "غربی" مبتنی بر هنسرس دروغ‌سازی و دروغ‌پردازی است و محور اصلی این تبلیغات، ضد "شرقی" و به‌ویژه ضد شوروی است.

همه این مطالب را وقتی بنگار در نظر بگیریم این سؤال قابل طرح می‌شود که در واقع دشمن اصلی کیست؟ "شرق" است یا "غرب" امریکاست یا شوروی؟ اگر درست است که کشورهای امپریالیستی در این همه آنها آمریکا دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. آنگاه باید این وضع در تمام عرصه‌هایی که دگر آنها رست، دگرگون شود و مناسبات جمهوری اسلامی ایران بر سبای این حسن حسب الاسلام حاسه‌ای فرار گیرد و تحقق عملی باید که در پیام خود

کند: "... ما نه فقط نسبت به مسلمان‌ها، بلکه نسبت به غیرمسلمان‌ها با کسانی که به ما حمله می‌کنند مقابله خواهیم کرد... اما با کسانی که به ما حمله و علیه ما توطئه نکنند، هیچ مقابله‌ای نداریم. دوستی هم می‌کنیم و این دستور قرآن است... ما با دولت‌های مسلمان و حتی دولت‌های غیرمسلمان، تا زمانی که به ما حمله و تعرض نکنند، دوست هستیم، با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز داریم، اما کسانی که به ما تعرض، علیه ما توطئه بچینند، یا با دشمنان ما همدست شوند، از آنها نخواهیم گذشت"

(از پیام رئیس جمهور - ۲۵ آبان ۱۳۶۰)

اینها رفقاً، مطالبی است که باید در توضیح مفهوم شعار "نه شرقی و نه غربی" به آنها توجه داشت. باید به کسانی که باطن طرفدار انقلاب و پیروزی نهایی آیند، ولی تحت تاثیر "جوسازی‌ها" صادقانه خیال می‌کنند که "شرق" هم مانند "غرب" دشمن است. نفهم کرد که این تصور از سباده غلط است، که قطع نظر از تفاوت در سبب‌های مذهبی، سلطی و اعتقادی، می‌توان و نباید در سارزه علیه دشمن مشترک (امپریالیسم سرکردگی آمریکا) همکاری و همکاری‌های حدی به سود انقلاب ایران و به سود تحکیم استقلال کشور کرد. به آسانی می‌توان این واقعیت را اثبات کرد که "شرق" و به ویژه اتحاد شوروی دوست انقلاب و "متحد طبیعی" جمهوری اسلامی ایران در سارزه علیه امپریالیسم سرکردگی آمریکا هستند. برای آشنایی که از لحاظ "ایدئولوژی" نمی‌تواند بپذیرد کسه "شرق" دوست انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. حداقل می‌توان نفهم کرد که این شرق، استثمارگر و سلطه‌گر و دشمن حلقه‌ها نیست و دشمن ایران هم نیست. در این روشنگری می‌توان از گفته‌های مکرر مقامات طراز اول خط‌امانی مدد گرفت. برخی از آنها را نقل می‌کنیم:

"جامعه ما اکنون از ۲۲ بیمن سال ۱۳۵۷ بیشتر اسلامی است و بیش از آن موقع دوستان و دشمنان خود را می‌شناسد... بعد از ۲۴ بیمن ما هنوز افرادی داشتیم که... می‌خواستند پلی باشند برای رجعت امپریالیسم به کشورمان... ما احتیاج داریم برای حفظ انقلاب ما جهان بیرون از مرزهای خود ارتباط وسیعی پیدا کنیم و برای این کار محتاج عمل هستیم"

(از سخن نخست‌وزیر موسوی به هنگام معرفی کاسنه)

"ما با هرگز کسی که سعی نکند، خود را بر ما تحمیل کند، یا ما را استعمار کند، دوستی خواهیم داشت. ما نمی‌توانیم دور خود دیوار بکشیم و میان خود و دیگران جدایی ایجاد کنیم، ولی اسلام با افرادی که علیه آن توطئه می‌کنند، مبارزه می‌کند"

(آب‌الله مستطری - روزنامه جمهوری اسلامی ۲۷ شماره ۱۳۶۰)

"ما می‌خواهیم استقلال‌مان را حفظ کنیم و این استقلال را هرگاه بهتر بپذیرد و نیازهایمان را تأمین کند، با آنها روابط بیشتری برقرار می‌کنیم"

(حسب الاسلام رفسنجانی در توضیح شعار "نه شرقی و نه غربی" ضمن مباحثه با محله "صف" شماره ۲۲ آبان ۶۰)

اگر از لحاظ جغرافیایی (با جمهوری دموکراتیک کره) دوریم از لحاظ مبارزه ضد امپریالیستی نزدیک هستیم

(حسب الاسلام رفسنجانی به هنگام دیدار از کره دموکراتیک)

از اسس گفته‌ها بسیار است

دولتی کردن بازرگانی خارجی اهرمی برای حفظ و تحکیم استقلال ماست

در هفته گذشته ، مبارزه در " میدان اقتصادی " که به گفته آقای خوشی‌ها میدان اصلی " مبارزه بین خط امام و جریان راسنکرای مخالف " است و اهمیت آن بحدی است که رئیس جمهور در این هفته گفت :

" شکست در جبهه اقتصادی ما را از شکست در جبهه نظامی ناگام‌تر خواهد کرد " (اطلاعات شماره ۴ آذر)
همی سیخه آن در آخرین تحلیل، سرنوشت انقلاب را تبیین خواهد کرد ، همچنان ادامه یافت . در این " میدان " در مورد مسائل مهم اقتصادی بحث و اختلاف نظر و مبارزه جریان دارد که یکی از آنها مسئله دولتی کردن بازرگانی خارجی است . از مظاهر و خود مبارزه و کشاکش سیرامون این مسئله فوق العاده مهم نوشتن است به قلم آقای آیت الله مهدوی کی‌کی که در روزنامه‌ها (صح آزادگان ، بحث‌نامه ۴ آذر و اطلاعات شماره ۶ آذر) انتشار یافت آزادگان در مقدمه می‌نویسد :

" آیت الله مهدوی عضو فقهای شورای نگهبان قانون اساسی در نوشته‌ای به تفصیل علل رد لایحه دولتی شدن تجارت خارجی توسط شورای نگهبان را تشریح کرده و اشکالات شرعی و قانونی این لایحه را برشمرده است . نظر به اهمیت موضوع ، خبرگزاری جمهوری اسلامی متن نوشته آیت الله محمدرضا مهدوی گنی را بدین شرح منتشر می‌کند " سپس روزنامه ، متن نوشته را درج کرده است .

نوشته آقای گنی بسیار خواندنی و باید آن را بدقت خواند نه فقط به خاطر آشنایی با نظرات شخص ایشان ، بلکه به دلیل اینکه در این نوشته ، به نظر می‌رسد می‌توان با مجموعه دلائلی که مخالفان دولتی شدن کامل بازرگانی خارجی ارائه می‌دهند آشنایی حاصل کرد .

قبل از شروع بحث موکدا باید تذکر دهیم که ما هیچ " عقده‌ای " نسبت به آقای گنی و هیچ تحصیت و یا ارگانی نداریم و نیز به

خاطر داریم که ما در دورانی که ایشان مسئولیت وزارت کشور را در اختیار داشتند ، اجازه یافتیم که مستنگ تشکیل دهیم ولی درباره مسائل اصولی ، باید نظرات اصولی را بیان داشت عقیده اصولی ما این است که باید طبق قانون اساسی ، بازرگانی خارجی دولتی شود .

در مقدمه نوشته آقای کتی آمده است که :
" این روزها در رابطه با شورای نگهبان بحث‌هایی مطرح است راجع به اینکه شورای نگهبان درباره بعضی از لوایح در اطلاق یا عموم آنها اشکال کرده و محدودیت‌هایی برای آن مصوبات قائل شده است و گاهی شنیده می‌شود که ایرادها ، اشکال‌ها و بلکه تهمت‌هایی به شورای نگهبان وارد می‌شود که شورای نگهبان طرفدار گروه خاص سرمایه‌دار و فئودال است یا گفته می‌شود که شورای نگهبان متعایل به خط سرمایه‌داری است و با این بینش لوایح انقلابی را رد می‌کند "

در نوشته‌های مگر مردود دانسته شده و گفته شده است که :
" در شورای نگهبان چنین بینشی حاکم نیست که فقهای شورای نگهبان از حقوقدانان شورا بخواهند به طرفداری از گروه خاصی و یا دسته و صنف خاصی قانونی را رد یا تأیید کنند "

سپس در مورد لایحه بازرگانی که " این روزها مطرح است ، گفته شده که
" این لایحه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و به شورای نگهبان ارسال شد و شورای نگهبان اطلاق و شمول لایحه را رد کرد . بدین معنی که شورای نگهبان کلیت لایحه و شمول آن را به کل صادرات و واردات منطبق با موازین اسلامی و قانون اساسی ندانست " بعد در نوشته مفصلاً دلائلی ذکر شد که لایحه اولاً با موازین اسلامی و اساساً با قانون اساسی و قانون‌گذاری مطابقت ندارد .

ما البته در مورد انطباق و نا عدم انطباق لایحه با موازین شرعی می‌توانیم اظهار نظر کنیم زیرا تخصصی در این زمینه نداریم . همینقدر می‌دانیم این لایحه مانند دیگر لوایح ، نظیر لایحه اصلاحات ارضی از دیدگاه موازین شرعی و اسلامی بیکیسان ارزیابی نشده‌اند . ما مثلاً شاهد آیم که لایحه اصلاحات ارضی که از دیدگاه شخص‌های بزرگ اسلام‌شناسی نظیر آیت‌الله منتظری ، آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مشکینی کاملاً اسلامی و شرعی بود ، از دیدگاه برخی دیگر با موازین اسلامی ناموافق ارزیابی شد . یا مثلاً لایحه بازرگانی خارجی که در مجلس شورای اسلامی تصویب شد یعنی به تصویب گروهی از جمله اسلام‌شناس رسید در شورای نگهبان با مخالفت برخی از فقها (و نه همه آنان) روبرو شد .

اما در مورد قانون اساسی ما می‌توانیم اظهار نظر کنیم . در نوشته توضیح داده شده است که رد لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی در شورای نگهبان به نفعی فقط به دلیل معایرت آن با موازین شرعی و اسلامی ، بلکه همچنین به دلیل آن بوده است که منطبق با قانون اساسی نبوده است . این دعوی تا بعضی صریح نظر اعلام شده شورای نگهبان می‌خواند . شورای نگهبان به هنگام رد لایحه بازرگانی خارجی حسن اعلام کرد :

" لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی از نظر قانون اساسی معایر شناخته شده ولی از لحاظ شرعی ... به تأیید اکثریت فقهای شورای نگهبان نرسید "

یعنی اولاً شورای نگهبان تأیید کرد که لایحه با قانون اساسی منطبق است و ثانیاً اقلیتی از فقهای شورای نگهبان آن را از لحاظ شرعی تأیید کرده‌اند ولی اکثریت آنها تأیید نکرده‌اند . (در اینجا همه ما را دو دیدگاه " شرعی " مواجحه هستیم) .

از طرف دیگر می‌دانیم که اصول قانون اساسی سیر از لحاظ شرعی سنجیده شده . توسط شخصیت‌های طراز اول اسلام‌شناس تدوین و تصویب شده و اساساً سیر آن را مطالعه کردید و هیچ چیز عمده‌ای در آن یافتند " سایرین قانون اساسی با موازین اسلامی و شرعی انطباق کامل دارد ولذا اگر لایحه‌ای " از نظر قانون اساسی معایر شناخته‌شده " از لحاظ شرعی سیر قابل ایراد نیست . پس مگر شورای نگهبان در رد لایحه بازرگانی خارجی که از یک سو لایحه را معایر با قانون اساسی (اسلامی و شرعی) شناخته و از سوی دیگر از لحاظ شرعی قابل تأیید ندانسته ، دارای تناقض درونی است .

دولت است و "مسمی" هم هست و سبب آن در برابر چشم همه ماست.

در نوشته آمده است که:

دولت به عنوان اینکته نفت را می فروشد و قسمت اعظم پشتوانه آبروی کشور را از این راه تحصیل میکند ، نمی تواند تجارت خارجی را در انحصار خود قرار دهد

اما نخست وزیر در پی فتوای امام در مورد ایز حاصل از نفت که متعلق به دولت است می گوید " این فتوا تصویب لایحه ملی کردن بازرگانی خارجی را تسریع خواهد کرد و راه حل های خوبی جلوی پای دولت می گذارد . و روی مسئله ملی کردن تجارت خارجی اثرات خوبی می تواند بگذارد

در نوشته برجست همبستگی نیز برای بستن دهان طرفداران دولتی کردن بازرگانی خارجی و خواستاران اجرای قانون اساسی در این زمینه نگارفته است :

" حکومت اسلامی یک نظام سوسیالیستی و اشتراکی نیست ما خود نظامی داریم لیکن آنها می خواهند ما را به سستی سوق دهند که نتوانیم نظام خودمان را پیاده کنیم "

ولی چه کسی می داد که حکومت اسلامی یک نظام سوسیالیستی نیست و چه کسی نمی داد که دولتی کردن بازرگانی خارجی به

مضای نظام سوسیالیستی نیست . هدف از طرح مسئله بدینگونه را بارها مقامات مسئول طراز اول پیرو خط امام نظیر رئیس مجلس نخست وزیر ، آقای خوشی ها و دیگران بصراحت خاطر نشان کردند که " هر گاه که می خواهیم به نفع محرومان گام برداریم یک عده می گویند این کمونیسم است " و یا " در برابر هر تصمیمی که جهت منافع محرومین و علیه طبقه مرفه گرفته می شود ، اعتراض کرده و می گویند مجلس در پی تصویب قوانین سوسیالیسم هستند است

اگر درست است که انقلاب ۲۲ بهمن ، انقلاب کوخ نشینان و زحمتکشان بوده است (که بوده است) ، اگر درست است که جمهوری اسلامی ایران باید در جهت برکردن شکاف میان فقر و ثروت گام بردارد ، اگر قانون اساسی قانونی است که باید تحقق عملی یابد . و اگر درست است که یکی از اهرم های بزرگ حلطه امپریالیسم در ایران بازرگانی آزاد خارجی بوده و یکی از اهرم های بزرگ " سوق دادن ایران به سوی استقلال اقتصادی ، کرفس این اهرم از دست " تجاوز محترم " و سپردن آن به دست دولت است ، پس بازرگانی خارجی باید دولتی شود ، و لایحه آن بی آنکه راه نفودی برای فارتگری سرمایه تجاری خصوصی باز گذارد ، باید تدوین و تصویب شود .

در هر حال رفا ، نوشته مورد بحث را بدقت بخوانند و به همه دلائلی که در آن در رد دولتی شدن بازرگانی خارجی آمده آشنا شوند (بولتن گنهابش طرح همه آنها را ندارد) نظرات سخنگویان خط امام را نیز در مورد دولتی کردن بازرگانی خارجی محدودا از نظر بگذرانند . مبارزه ای را که در این زمینه علنا در گرفته بگیری کنند ، و در این زمینه از خط امام و از قانون اساسی دفاع کنند . و شبهه انقلابی ماست که در حد توان خود به نیروهای راستین انقلابی خط امامی ، برای گذراندن لایحه بازرگانی خارجی از مجلس و اجرای درست آن توسط دولت کمک کنیم .

در نوشته مورد بحث نظرمی رسد که کوشش شده است این تناقض آشکار به نوعی حل شود و همین دلیل بر خلاف نظر اعلام شده اکثریت فقهای شورای نگهبان ادعا شده است که اکثریت شورای نگهبان لایحه را منطبق با قانون اساسی نرسد دانسته است دلائلی نیز که در نوشته برای اثبات عدم انطباق لایحه با قانون اساسی ذکر شده ، چندان است حکامی ندارند . مثلا گفته شده که در اصل ۴۴ قانون اساسی بازرگانی خارجی " بخش دولتی است ولی " قید نکرده چه کالایی و چه موقعیتی " یعنی در قانون اساسی می بایستی قیلا قید می شد که مثلا گندم را دولت می بایستی از خارج بخرد ولی عدس را بخش خصوصی بپردازد این " قید اگر قرار باشد ، دلیلی برای رد لایحه گردد . آنگاه نام " بخش دولتی " در ماده ۴۴ قانون اساسی زیر علامت سؤال قرار می گیرد چونکه در این ماده مثلا تصریح شده که راه آهن جز " بخش دولتی است قید نشده که منظور دقیقا کدام خط است و چون قید نشده آیا می توان یک یا چند خط را خطوط راه آهن را به بخش خصوصی داد ؟ ماده ۴۴ قانون اساسی صراحت دارد که :

" بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ ، صنایع مادر ، بازرگانی خارجی ، معادن بزرگ ، بانکداری ، بیمه ، مخابرات ، راه های و شبکه های بزرگ آب رسانی ، رادیو و تلویزیون ، پست و تلگراف و تلفن ، هواپیمایی ، کشتیرانی ، راه راه آهن ، و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است " آیا صریح تر از این می توان نوشت .

آیا می توان مدعی شد که چون قید نشده کدام کارخانه صنایع بزرگ کدام کالا در بازرگانی خارجی ، کدام آتش تلویزیون ، کدام هواپیما ، و کدام کشتی ، پس می توان بخشی از این " بخش دولتی " را به " بخش خصوصی " واگذار کرد ؟

از جمله دلائل ذکر شده در نوشته در توجیه رد لایحه بازرگانی خارجی ، این است که به هنگام تدوین و تصویب لایحه به مسئله توسعه اقتصادی و شرط دیگر که مابه زبان عامه نباشد " توجه شده است " ما می گوئیم اگر به ذیل اصل ۴۴ توجه می شد اصولا لایحه به این صورت تنظیم نمی شد . آیا واقعا به این مطلب رسیده اند که این کار به ضرر جامعه است یا به نفع جامعه ، آیا رسیدگی و تحقیق شده است که این کار در همه جا موجب رشد اقتصادی است ، اگر رسیده اند " یا کدام تجربه و سابقه . مسلما این بررسی علاوه بر معلومات و برداشتهای ذهنی نیاز به تجربه عملی دارد . من فکر می کنم برای همین امر مهمی با یکی دو ماه نشستن و فکر کردن و قدری بحث کردن بتوان قانون مفید و صحیحی وضع کرد و سپس آن را به مرحله اجراء درآورد " مثل اینکه این اظهار نظر نیاز به تفسیر ندارد . سه سال است که از تصویب قانون اساسی می گذرد . در تمام این مدت بحث بیرونی دولتی کردن بازرگانی خارجی در جریان بوده است ماهها برای تنظیم لایحه آن وقت صرف شده است . ناهماهنگی اندیشه ها و موضع گیری ها در آن بیخوشی آشتی داده شده است . هفته ها در مجلس مورد بحث قرار گرفته است و اکنون ماهها است که در کمیسیون ویژه در معرض محدود نظر است . تازه اظهار نظر می شود که همه این بحث های طولانی " یکی دو ماه نشستن و فکر کردن " است که بپردازد تنظیم یک قانون " مفید و صحیح " می خورد . اگر لایحه بالاخره تنظیم هم نشود بار هم ذهنی است و بر سبنای " تجربه " نیست . پس مگر این اصل ۴۴ قانون اساسی بر مبنای تجربه و در جهت خواست های انقلاب تنظیم نشده است ؟ مگر ما " تجربه " ۵۰ سال حکومت پهلوی راپشت سر نداریم . مگر در ضمیمه اطلاعات تجزیه های انحصار بازرگانی خارجی و سپس نقش آن و سپس " درهای باز " امپریالیستی انتشار نیافت . مگر این واضح نیست که یکی از عمده اهرم های سلطه اقتصادی (و سپس سیاسی) امپریالیسم ، سپردن بازرگانی خارجی به سرمایه خصوصی است مگر همین الان " تروویست های اقتصادی " کیانند

در نوشته آمده است که :
" قسمتی از تجارت خارجی باید نیز دست دولت باشد ... والا اگر همه تجارت (خارجی) بطور کلی در دست دولت باشد نه مصلحت است و نه نظر ما نه مطابق با اسلام و نه مطابق با قانون اساسی است " در وسیع عملی سیر " مسمی " از تجارت خارجی در دست

روشنگری انقلابی پیرامون مسائل کارگری
وظیفه عاجل ماست

بحث و بررسی پیش‌نویس قانون کار توکلی در هیئت دولت ادامه مباحث اعتراضاً نیز کارگران پیرامون این پیش‌نویس ارتجاعی و ضد قانون اساسی در کارخانجات ، در شوراهای و انجمن‌های اسلامی کارخانجات ، در سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری ، طرح پارهای از این مباحث در صدا و سیما و انتشار مقالاتی در نقد بررسی این پیش‌نویس در برخی روزنامه‌ها مسائل کارگری را در هفته گذشته نیز همچنان در شمار مهمترین مسائل کشور قرار داد.

هیئت دولت که گفته شد " روح حاکم بر لایحه و کلیات پیشنهادی آن " را مورد تبادل نظر قرار داده ، تاکنون از اعلام نظر در این باره خودداری کرده است ، در دو جلسه هیئت دولت برای تبادل نظر و بررسی پیش‌نویس وزیر کار ، رئیس جمهور خانه‌های ریاست جلسات هیئت دولت را برعهده داشته‌است . با اینهمه رئیس جمهور در پایان دومین جلسه تنهابه این اکتفا کرد که به خبرنگاران بگوید که :

" من امید زیادی دارم که بتوانیم قانون کاملی تهیه کنیم و به مجلس بدهیم "

هرچند نظر هیئت دولت درباره " روح حاکم بر لایحه " اعلام نشد ولی بنظر می‌رسد که این تنها کارگران و نیروهای کارگری نیستند که معتقدند روح حاکم بر لایحه ، پاسداری از منافع سرمایه‌داران و بی‌اعتنایی کامل به حقوق کارگران است . از شخصیت‌ها که بگذریم مطبوعات مربوط به محافل موثر خط امامی نیز در این اعتقاد شریکند ، روزنامه آزادگان ، طی مقالاتی زیر عنوان " نگاهی به پیش‌نویس قانون کار " نوشت :

" اصالت دادن به سرمایه و سرمایه‌گذاری و رفع مشکلات اقتصادی به امید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ... در اولین ماده در فصل اول (پیش‌نویس) متجلی است ... توافق طرفین و تراضی که در پیش‌نویس مورد تأکید قرار گرفته باید در تمام موارد جای خود را به پاسخ‌های صریح و مواد قانونی روشن و واضح بسپارد ، چون توافق طرفین نمی‌تواند معیار باشد ... وقتی که در شرایط کار بدون مبنای و قوانین مصوب از سوی جمهوری اسلامی به توافق طرفین اهمیت داده شود ، همیشه کسی متضرر می‌گردد که امکانات کمتری در اختیار دارد ... هنگام استخدام چون اصل بر توافق طرفین است ، سخت‌ترین شرایط کار و آسان‌ترین شرایط اخراج در قرارداد قید می‌گردد ... کارگر هنگامی که مشاهده می‌کند نیاز به درآمد بیشتر دارد قادر نیست قرارداد جدید را به کارفرما بقبولاند ، چون کارفرما قبلاً پیش‌بینی‌های لازم را بعمل آورده و از اجرای خواست‌های کارگران خودداری خواهد کرد در نتیجه همیشه این کارگر است که اسیر و مجری بی‌چون و چرای کارفرما خواهد بود و کارفرما نیز از سهولت شرایط اخراج و یا عقد قرارداد اولیه حداکثر سود استفاده را بعمل می‌آورد و تفاوت‌های اجتماعی افراد در بهروری از امکانات زیستی روز به روز عمیق‌تر گردیده و در آینده نزدیک جمهوری اسلامی اقتضای عظیم از مستضعفین اقتصادی و عدالت‌طلبان از طرفین را در خود خواهد داشت که این چنین آیندای هرگز مقبول جمهوری اسلامی نیست "

و ادامه می‌دهد :
" در شرایط کار اگر ضوابط دقیقاً از قبل مشخص شده باشد سرمایه‌سالاری و تفرقه‌پروری به دو صورت ، بسیار سریع رشد کرده و اقتضای اجتماعی کم‌درآمد را به نفع سرمایه‌سالاران ، فقیرتر خواهد نمود "

روزنامه اطلاعات نیز در سرمقاله یکشنبه ۷ آذرماه خود زیر عنوان " بررسی یک دیدگاه به مناسبت تهیه متن جدید قانون کار " می‌نویسد :

" البته در یک بحث نظری ، بسیار ساده و راحت است که دو فرد را از نظر میزان اختیار و میدان آزادی و عرصه قدرت در وضعی مساوی یا مشابه قرار دهیم و آنگاه چنین حکم کنیم که قراردادهای منعقد شده بین آن دو (مثلاً شما کارگر و من کارفرما) می‌بایست مبتنی بر قصد و رضا و " تراضی طرفین " باشد ... اما در عرصه عملی نیز آیا می‌توان به همین سادگی مسائل را حل کرد و عبور کرد و رفت ؟ آیا می‌توانیم چشم‌پوشی بر این واقعیت بکنیم و نبینیم که طرفین قرارداد از نظر قدرت و اختیار در وضعیتی مساوی و مشابه بسر می‌برند یا یکی از آن دو برای ثان شش و مهل سکونتش محتاج بوده و مجبور است به هر کاری با هر شرایطی تن دردهد و دیگری از فرط سبزی و بی‌نیازی و برخوردار از امکانات بسیار به قول معروف همین خیالش هم نیست که این یا آن فرد با او قرارداد می‌بندد و شرایط دلخواه او را می‌پذیرد یا نه ، این ، محتاج است که مجبور است ، مجبور به تراضی است مجبور به راضی شدن ! و ما چگونه می‌توانیم این واقعیت تلخ را در نظر نیاوریم و از دولت بخواهیم که فقط یک ناظر بی‌طرف باشد ؟ "

پیدا است که این نظرات که بیانگر مواضع خط امام در زمینه تأمین عدالت اجتماعی برای کارگران و محرومان است با نظرات آقای توکلی و معاون ایشان معتمد رضایی و مدافع هردوشان حجت‌الاسلام محمد یزدی و دیگر همفکرانشان بگلی متفاوت است . آقای توکلی و همفکرانشان مدافع بی‌عدالتی ، تبعیض و نابرابری طبقاتی و اجتماعی هستند و از غارتگری لجام گسیخته سرمایه‌داری که در آن فقیر نحیف‌تر و دارا فربه‌تر می‌شود بی‌برده دفاع می‌کنند و می‌گویند :

" اگر زرنگ باشم و پس‌انداز بکنم بعد از یک مدتی خودم بروم و کارگاه درست کنم در آدمم بیشتر از شما می‌شود ... باز هم سه برابر شمامی‌شود ، چهار برابر شما می‌شود ... چقدر بدست می‌آید محدود نیست ... چقدر درمی‌آید به حرکت استعداد های مختلف به ابتکارهای مختلف ، به برکت‌های مختلف (مربوط است) خدا برای آزمایش بندگانش به یکی ثروت بیشتر می‌دهد و به یکی کمتر می‌دهد برای اینکه ببینند ثروتمند وظیفه‌اش را عمل می‌آند ... ثروت برای آزمایش است این فقر هم برای آزمایش است تا ببینیم آن ثروت را درست همانطور که خدا گفته بکار می‌بری ، نوری فقیر خودت را در مقابل ثروتمند می‌بازی یا محکم می‌ایستی ، آبروی خودت را حفظ می‌کنی و صورت خودت را با سلیقه سرخ می‌کنی ، می‌گویی خدا رازقی است روزی را از بنده نمی‌خواهی یا ذلت کسب کنی ما تابع این فکر هستیم . و حقد و کینه و حسادت هم نداریم چه کسی چقدر ثروت بدست بیاورد از راه حلال هم بدست بیاورد معتقدیم خدمت به جامعه است "

(مصاحبه توکلی با نشریه اعتصام شماره هشتم آذر ۶۱)
بارزه دو خط ، خط امام و خط راست‌گرای مخالف به این ترتیب در یکی از حیاتی‌ترین عرصه‌های مربوط به انقلاب ایران در زمینه تدوین قانون کار ، که در شمار قوانین بنیادین است با حدت ادامه دارد . در این رویارویی خط‌ها ، کارگران و همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی از خط امام قاطعانه پشتیبانی می‌کنند و این پشتیبانی را وظیفه انقلابی عاجل خود می‌شناسند .
کارگران اکنون در جریان یک تجربه سیاسی بسیار پراهمیت و آینده‌ساز بیش از پیش به وجود و ماهیت دو خط ، در حاکمیت در روحانیت و در محافل پیرامون و مرتبط با آیندو آگاهی می‌یابند . وظیفه عاجل ماست که در غنی‌تر ساختن این تجربه با تمام توان بکوشیم . باید مراد سرمایه‌سالاران و نیز

جریان راستگرایی مخالف خط امام را که در این زمینه انتشار می یابد و یا گفته می شود ، به بیان کارگران بسیریم و ضرورت دفاع قاطع از خط امام را در رویارویی با جریان راستگرایی مخالف به آنها توضیح دهیم . وظیفه ماست که ذرات استقلال طلبانه و آزادمنشانه و عدالت جویانه خط امام را که در روح و نفس قانون اساسی انعکاس یافته است به کارگران نشان دهیم و همچنین به کارگران توضیح دهیم که چرا مواضع جریان راستگرایی مخالف در مسیر سازش و تسلیم به امپریالیسم و استعمار است . حقوق و آزادی های نیروهای مردمی و در خدمت مبارزگی سرمایه داری و تحکیم تبعیض و سلب برابری های طبقاتی و اجتماعی است .

هم اکنون در قطعنامه ها ، در نامه ها ، طومارها ، در میاجت کارگران جوانه های بالنده این آگاهی را می توان دید . این سی دلیل است که کارگران می گویند " ما اعتقاد داریم که قانون کار جدید باید با استفاده از نظرات شهید مظلوم بهشتی که از صاحب نظران اسلامی در مسائل کار و کارگری بودند ، نوشته شود " . " ما معتقدیم که قانون کار می بایست منطبق بر تمام مضامین فقه و قانون اساسی باشد ... به نظر ما بهتر است اینگونه پیش نویسها بر اساس واقعیات و نقطه نظرات کارگران نوشته شود " سه عنصر اصلی که کارگران در مبارزه برای تدوین یک قانون کار انقلابی به آن تکیه دارند ، همچنانکه در بولتن گذشته گفتیم عبارتند از :

۱ - تاکید بر خط امام و اسلامی که اصنام خمینی و برجسته ترین سخنگویان خط امام از جمله شهید آیت الله بهشتی مبشر آنند .

۲ - تاکید بر قانون اساسی که مواضع استقلال طلبانه ، آزادمنشانه و عدالت جویانه خط امام را متبلور می سازد .

۳ - تاکید بر مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت خود و در این باره تاکید بر مشارکت همه کارگران در تدوین قانون کار . فدائیان (اکثریت) موظفند که روشنگری انقلابی خود را ، بر اساس سه عنصر قابل تاکید در مواضع کارگران ، بطور وسیع و همه جانبه اشاعه دهند . ارتقاء آگاهی کارگران نسبت به مواضع ضد امپریالیستی و مردمی خط امام ، ماهیت جریان راستگرایی مخالف و تشویق کارگران به پشتیبانی فعال از خط امام در برابر تهاجم جریان راستگرایی مخالف ، ارتقاء آگاهی کارگران نسبت به روح استقلال طلبانه ، آزادمنشانه و عدالت جویانه قانون اساسی ، و تشویق آنان به مبارزه بیشتر بر راه اجرای بدون خدشه قانون اساسی ، ارتقاء و آگاهی کارگران نسبت به ضرورت مشارکت فعالشان در تدوین قانون کار و حضور متشکل در صحنه برای پیشبرد پیروزمندانه مبارزاتی که در همه عرصه ها خط امام را جریان راستگرایی مخالف درگیر آنند ، وظیفه انقلابی عاجل ما در راه تثبیت و تعمیق انقلاب ، تحکیم پیوندهای خط امام با توده های دهها میلیون زحمتکش و شورایی جمهوری اسلامی در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی است .

رفقا باید توجه داشته باشند که تنها در چنین مسیری است که آگاهی مستقل طبقاتی در نزد کارگران شکفته خواهد شد . مرز دوست و دشمن انقلاب و دوست و دشمن طبقه کارگر با ونسوخ بیشتری ترسیم خواهد شد و کارگران سخنگویان راستین خود را باز خواهند شناخت . بدیهی است که در این بستر نبرد خطها تا آنجا و در هر جا که ممکن است باید کارگران را نسبت به مواضع سازمان خود آگاه و آگاه تر کنیم . باید نقش و مقام طبقه کارگر ایران را در انقلاب در حفظ دستاوردهای آن ، در شکوفایی جمهوری اسلامی و در نیل به پیروزی نهایی به آنها بشناسانیم .

رفقا و دوستان عزیز !

برای آنکه وظایف یاد شده را بدرستی به انجام رسانیم ، آگاهی

عمیقتر ما نسبت به مسائل کارگری ضروری است از اینرو لازم است
که مباحث و مسائلی را که در ارتباط با پیش‌نویس ارتجاعی و
ضدقانون اساسی وزیر کار توسط کارگران و خط امامی‌ها در
مطبوعات و نشریات کارگری و خط امامی منتشر می‌شود، با دقت
تمام بخوانیم. همچنین لازم است که مواضع جریان راست‌گرای
مخالف را نیز به دقت دنبال کنیم.

رفقا می‌باید برای توجه بیشتر مطالب کارگری بولتن هفتگی
سازمان به ویژه سه شماره اخیر را با دقت مطالعه کنند. مطالعه
پرسش و پاسخ شماره ۲۹ آبان ۶۱ بخش مربوط به مسائل کارگری
و نیز مطالعه نشریات کارگران سبز از اهمیت ویژه برخوردار است.

هفته بسیج " را بزرگ بداریم

نخستین روز هفته بسیج ، جمعه ۵ آذرماه ، با رژه غرورانگیز " بسیجی ها " در مراسم گنور آغاز شد . اکنون ۲ سال از تشکیل این مردمی ترین نهاد مسلح مدافع انقلاب می گذرد . طی این مدت به گفته مسئولان بسیج ، بیش از ۲/۵ میلیون نفر تحت پوشش آموزش بسیج قرار گرفتند . بسیج " در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن نقش فوق العاده مهم ، موثر و سرنوشت ساز دارد . این یک حقیقت است که سنگرهای دفاع عادلانه مردم ما در برابر تجاوز امریکایی رژیم صدام ، از خون بسیجی ها که تقریباً همه از مردم محروم ، مستضعف و کوخ نشین شهر و روستاها ، ربک گرفته است . قهرمانی ها و دلاوری های عظیم بسیجی ها در جبهات جنگ عملی که بدون تردید در تاریخ مبارزات استقلال طلبانه خلقهای جهان از نمونه های درخشان است . امروز ریانزد مردم ماست . بسیجی ها را در جبهات جنگ ، " خط شکن " می نامند . آنها قهرمانان پاکسازی میادین مین دشمن ، پیش قراولان یورش به سنگرهای مقدم تجاوزگران و تکاوران سی پاک و موسی هستند که مقدم بر هر نیروی دیگری به دشمن مهاوز یورش می آورند و با قهرمانی های اعجاب انگیزه سنگرهای دشمن را فتح می کنند .

عشق " بسیج " در دفاع از انقلاب و پاسداری از دستاوردهای آن بسیار به عشق آنها در جبهه های جنگ محدود نیست . پشت جبهه ها ، سرجه کسردر فعالیت " بسیجی " هاست . واحدهای بسیج ، اکنون در سراسر کشور ، از روستاها گرفته تا شهرها ، از مدرسه گرفته تا کارخانه ، به منابه واحدهای مقاومت بوده ای . پایدار انقلاب است .

بسیج مستضعفین سپاه پاسداران ، به دنبال تسخیر لانه جاسوسی امریکا و دیر شرايطی که ناوگان بزرگ امریکا ، برای ارباب مردم ما به سوی آبهای ساحلی مبین ما بحرکت درآمده ، تشکیل شد . تشکیل " بسیج " گویای تکیه خط امام به توده های دهها میلیون زخم کشان شهر و روستا و تبلور خصیلت عمیقاً مردمی انقلاب ماست . این تجربه نیر نشان داد که تنها به انگای توده های متشکل و مسلح است که می توان تجاوزات و توطئه های جبهه متحد ضدانقلاب بسرکردگی امیرالیم امریکا علیه انقلاب و دستاوردهای آن را درهم شکست و از انقلاب و دستاوردهای آن پاسداری کرد . در فرمان تشکیل بسیج امام خمینی تاکید کردند :

" الان در رأس همه مسائل اسلامی ما قضیه مواجهه با امریکاست و باید تمام تجهیزات ما به طرفه این دشمن باشد . مه ادا یک وقتی یک تبلیغات نویی بشود و نظره ای ما تشنت پیدا کند و افکارمان افکار مختلف بشود . . . همه باید یکصدا باشند سرودهای امروز فقط مقابله با امریکاست . . . باید همه قوایمان را مجتمع کنیم

برای نجات دادن این کشور ، باید اگر مسائلی برایشان پیش
بیاید هرچه هم سخت باشد تحمل کنیم . باز من تکرار می‌کنم
که بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر غفلت بشود
مملکتان از بین می‌رود ، غفلت نباید بکنید ، غفلت نکردن به
این است که همه قوا را و هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید ،
هرچه تظاهرات دارید بر ضد آمریکا بکنید . قوای خودتان را مجهز
بکنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستانتان تعلیم بدهید .

روح فرمان امام خمینی بر تشکل و تسلیح همه اقشار مردم و
تمامی نیروهای مدافع انقلاب در برابر شیطان بزرگ آمریکا و ادیان
آن تاکید دارد . آمریکا دشمن اصلی و دشمن همه مردم و همه کسانی
است که به آماج‌های انقلاب وفادارند و در راه تحقق آن می‌روزمند
از این رو مبارزه با آن نیز حق همه این نیروهاست که به هیچ
سبانه‌ای نمی‌توان آن را پایمال ساخت .

در سومین سالروز تشکیل بسیج مستضعفین ، روح فرمان
امام خمینی را باید برای همگان توضیح داد ، نقش بسیج
را به مثابه توده‌ای تربیت نهاد مسلح مدافع انقلاب در دفاع از
انقلاب و دستاوردهای آن بازگویم و قهرمانی‌های بسیجی‌ها را
بزرگ داریم . خاطره شهیدای آنان را گرامی داریم و اهمیت
برنوشتن‌ها را تکیه به توده‌های مردم و اتحاد همه نیروهای مدافع
انقلاب ، قطع نظر از تفاوت‌های مسلکی ، و مرامی در دفاع از
انقلاب و پاسداری از دستاوردهای آن را توضیح دهیم .

شورای مرکزی ساف " طرح " ریگان را رد کرد

شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین طی جلسهای که روز جمعه در دمشق برگزار نمود قاطعانه " طرح صلح " ریگان را رد کرد در بهانیهای که شورای مرکزی ساف پس از اجلاس هشت ساعتی خود انتشار داد گفته شد :

" پیشنهادهای آمریکا برآورنده حقوق ملی انتقارپذیر مردم فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین نیست

در این بهانیه همچنین حق مسلم مردم فلسطین برای تعیین آزادانه سرنوشت و ایجاد کشور مستقل فلسطینی مورد تاکید قرار گرفت. شورای مرکزی ساف در این بهانیه " تلاشهایی " را که به منظور " ضربهزدن " به سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان یگانه نماینده خلق فلسطین صورت میگیرد تقبیح و محکوم کرد .

اعلام موضع قاطع سازمان آزادیبخش فلسطین علیه " طرح " ریگان در جهان بازتاب گستردهای یافت. ساف بدین وسیله ضربه کاری دیگری بر نقشههای شیطان بزرگ و همدستان آن وارد آورد . اکنون که چندین ماه از آغاز تهاجم امریکایی - صهیونیستی

به لبنان می‌گردد باز هم بیشتر آشکار می‌شود که نقشه امریکا و اسرائیل برای نابودی و حذف صاف تا چه حد با شکست و رسوائی روبرو شده است. حضور نیرومند صاف در عرصه سیاسی و نقش یگانه آن در رهبری خلق فلسطین و تاثیر فزاینده آن در روند حل و فصل عادلانه مسائل منطقه، نشان می‌دهد که صاف همچنانکه در برابر تهاجم امریکایی - صهیونیستی، به لبنان سر بلند بیرون آمد، مطلوب دیگر توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی که برای ایجاد تفرقه در صفوف این سازمان ترتیب می‌باید، نیز نخواهد شد. خلق فلسطین یکبارچه از صاف حمایت می‌کند و آن را به عنوان یگانه راهبر و سحرگوی خود می‌شمارد. مادام که چنین پیوندی میان صاف و ملت فلسطین برقرار باشد، نه از تهاجم نظامی کاری ساخته است و نه از شگردهای دیگری مثل علم کردن گروهها و دسته‌های قلابی علیه آن.

پهروزی‌های جدید مردم در یونان

آتن پایتخت یونان به مناسبت هشتمین سالگرد مساومت با مردان و خونین دانشجویان این کشور علیه حکومت نظامی سرهنگان به سرکردگی پاپادوپولوس شاهد عظیم‌ترین تظاهرات ضد امریکایی تاریخ خود بود. بدین مناسبت ۲۵۵ هزار یونانی در صفوف فشرده و در حالیکه شعارهای تند ضد امریکاییستی به ویژه ضد امریکایی می‌دادند، به سمت سفارت امریکا در آتن راهپیمایی کردند. مبارزه مردم یونان برای برچیدن پایگاههای نظامی امریکا در این کشور و بیرون کشیدن کشورشان از بلوک تجاوزگر ناتو اکنون ابعاد واقعا عظیمی پیدا کرده است. رشد جنبش ضد امریکاییستی و خلقی مردم یونان و گسترش دامنه جنبش صلح در آنجا امریکا و مرتجعین داخلی را زیر ضربهای سنگین گرفته و پهروزی‌های بزرگی نصیب حزب کمونیست و نیروهای چپ کرده است. نیروهای راست و ترسورده که در انتخابات سال ۱۹۶۱ قدرت خود را به سود سوسیالیست‌ها از دست دادند، در انتخابات محلی شهرداری‌ها که اخیرا انجام شد، شکست‌های سنگین‌تری خوردند. ۲۱۶ پست از ۲۷۶ پست شهرداری‌های یونان را نیروهای چپ بدست گرفتند و از این میان ۴۵ پست شهرداری را حزب کمونیست در اختیار گرفت. نقش بزرگ حزب کمونیست یونان در هدایت مبارزه مردم و دفاع قاطعانه و بیگیر آن از منافع و مصالح خلق و میهن و ملت بطور فزاینده‌ای اعتماد و حمایت طبقه کسارگر و توده‌های وسیع را به سوی آن جلب می‌کند. زویدادهای یونان نشان می‌دهد که مردم این کشور چه برای رسیدن به خواست‌های میهنی مثل برچیدن پایگاههای نظامی امریکا و چه برای دستیابی به استقلال و آزادی و پهروزی‌تها به نیروهای چپ و به حزب کمونیست اعتماد می‌کنند. در چنین شرایطی امریکا و محافظان راست و مرتجع داخلی که از سوی آن حمایت می‌شوند، ناچارند شکست‌های قطعی‌تری را متحمل شوند.